

مکانیسم اجرایی عدالت قضایی در اندیشه امام علی(ع) با تأکید بر حکمرانی اسلامی

(مدل سازی راهبرد قضایی امام علی(ع) در نظام قضایی ایران)

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۰۵/۱۷

طاها عشایری*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۰۹/۳۰

الهام عباسی**

چکیده

عدالت به مفهوم رعایت مساوات و قرار دادن هر امر اجتماعی سر جای خود است. عدالت قضایی به مفهوم رعایت جانب انصاف، حق و بی طرفی در امور قضایی و اظهار قضاوت است. پایه و اساس هر جامعه‌ای مبتنی بر رعایت حقوق قضایی و نهادینه‌سازی عدالت قضایی است. تداوم و پایداری یک نظام با عادلانه بودن نظام قضایی آن امکان پذیر هست. در واقع یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب، عدالت قضایی است. در این شاخص، عدالت قضایی مبتنی بر ابعادی از جمله شفافیت، صداقت، استقلال، قانون‌گرایی و پاسخگویی، انعطاف‌پذیری به نسبت به تحولات زمانی و مردم‌داری می‌باشد. در دنیای مدرن امروزی یکی از اندیشه‌های مورد استفاده در رابطه با نهادهای قضایی و اجتماع، سیاست‌های قضایی و حکومتی امام علی(ع) است. در اصل امام علی(ع)، نماد عقلانیت، دموکراسی و مردم‌سالاری دینی و قضایی عصر مدرن است که سرچشمه معارف آن نهج‌البلاغه می‌باشد. سراسر این حکمت، درست‌اندیشیدن، حکمرانی عادلانه، رعایت حقوق اجتماعی و قضاوت به حق می‌باشد. کارگزاران قوه قضاییه را از قضاوت بر مبنای رنگ، نژاد، جنسیت، موقعیت اجتماعی، شاهدان جعلی، رشوه، مسائل شخصی، کینه و اختلاف فردی و غیره منع می‌کرد. ایشان، علم به نوع مسئله اجتماعی و سنخ‌بندی ادله، معیار، اصول و راهبرد قضایی، فنون اجرای عدالت، شایسته‌سالاری، تبحر علمی، صلاحیت اخلاقی و شجاعت اجتماعی را خصیصه و زینده یک حکمرانی اسلامی می‌دانند. بر این اساس، در ادامه پژوهش معیارهایی قضایی در حکمرانی اسلامی امام علی(ع) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری، جامعه، عدالت قضایی، حکمرانی اسلامی، مدیریت شایسته

t.ashayeri@gmail.com

* دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران

e.abasi@gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران

مقدمه

اهمیت قضاوت و استقلال قضایی؛ دو مقوله حیاتی در بدو شکل‌گیری حقوق اسلامی بوده است. در زمان پیامبر اکرم (ص)، استقلال قضایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. (امیری، ۱۳۹۵، ص ۹۳) در اسلام کمتر چیزی مانند قوه قضاییه مورد توجه بوده است؛ زیرا جان، مال، حیثیت و ناموس مردم همه در زیر نفوذ آن قرار دارد و بار سنگین تأمین امنیت نفوس، اموال، آبرو و عزت جامعه بر عهده آن است. (جعفرزاده، ۱۳۹۱، ص ۴) عدالت قضایی یکی از محوری‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی در اسلام است؛ که به فرموده مقام معظم رهبری «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است» «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، آیه ۲۴) عدالت قضایی به این معناست که بعضی از انسان‌ها حقوق دیگر افراد جامعه را زیر پای می‌گذارند، در نتیجه نیاز به داوری عادلانه و ممانعت از تضییع حقوق انسان‌ها در جامعه پدید می‌آید. این نیاز تنها با نیروی عدالت حقوقی و قضایی مرتفع می‌شود. (ری شهری، ۱۳۸۰، ص ۴۵) در توجه اسلام به قضاوت صحیح و عادلانه، دیدگاه‌های امام علی (ع) با توجه به اینکه ایشان یگانه کسی بود که با پیشینه طولانی در اسلام و احاطه بی‌همتا بر منابع احکام توانسته‌اند. در این مدت حقانیت و عدالت را در مسند قضاوت به منصف ظهور برسانند، سهم بسزایی دارد. (فریدی، ۱۳۹۱، ص ۶) بی‌شک یکی از مهم‌ترین مناصب در هر جامعه‌ای منصب قضاوت و دادگستری است چراکه زمانی مردم به قاضی رجوع می‌کنند که از همه‌جا ناامید شده و احقاق حق خود را در مراجعه به محکمه می‌یابند. یکی از مصادیق آن، عدالت در کیفر و پاداش است، مقصود از اجرای عدالت آن است که از آنجا که جرم، نوعی ظلم و جفا به حقوق مردم و خارج ساختن مسیر عادی و طبیعی امور و نقض حقوق فردی و اجتماعی به حساب می‌آید، بایستی کسانی را که به خود جرئت می‌دهند و حقوق دیگران را پایمال می‌کنند به مجازات رساند و متنه ساخت و حقوق پایمال‌شده افراد را به آنان بازگرداند. (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۴) قوام و شیرازه یک جامعه را روابط افراد با یکدیگر تشکیل می‌دهد. روابط افراد را با یکدیگر و جامعه را به هم می‌پیوندد و روابط اجتماعی، نظام‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند؛ به عبارت دیگر، وقتی یک سری روابط اجتماعی به‌طور منظم و

مشخص، اگرچه موقت شکل گیرد، نظامی شکل یافته است؛ نظامی که حقوق و شرایط ویژه خود را دارد. (ترابی، ۱۳۴۱، ص ۱۳۶) عدالت در لغت به معنای استقامت، انصاف و قسط و در اصطلاح به معنای قرار گرفته هر موضوع در جای خود و یا رعایت حق هر موضوعی است. (میرباقری، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱) فرهنگ لغت آکسفورد، عدالت را به عنوان حفظ حقوق با اعمال اختیار و قدرت و دفاع از حقوق با تعیین پاداش یا تنبیه توصیف کرده است اما آنچه در تعاریف این واژه به مقاصد ما نزدیک تر است، مفهوم عدالت به معنای برابری و تساوی، دادگری و انصاف، داوری با راستی و درستی و مفاهیم دیگری از این قبیل است. (حسین زاده و ناصری، ۱۳۸۶، ص ۱۹) از امام علی^(ع) سؤال شد: آیا عدالت برتر است، یا جود و بخشش؟ آن حضرت^(ع) فرمودند: عدالت امور حیات را در جاهای خود قرار می دهد، وجود و بخشش امور را از جهت خود خارج می سازد و ابعاد عاطفی مردم را اشباع می کند. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) علی^(ع) اسوه عدالت و سیره آن بزرگوار، تبلور راستین دادخواهی و ستم ستیزی است. از نگاه امام علی^(ع) حکومتی دینی؛ الهی و مردمی است که بر پایه عدل استوار باشد و عدالت را در تمام شئون زندگی جاری سازد. (عبادی، ۱۳۸۰، ص ۷۰) مفهوم عدالت در کانون هر اندیشه فلسفی است که به مقوله سیاست می پردازد؛ اما عدالت دارای یک معنای عرفی محض که همگان آن را قبول داشته باشند، نیست و معانی مختلفی مبتنی بر دو نوع معرفت شناسی پیشینی و پسینی دارد. نمود این دو نوع معرفت شناسی را می توان در بحث عدالت به صورت جدال میان اندیشه ورزی تاریخی و فراتاریخ مندگرایی در باب این مفهوم، در اندیشه سیاسی غرب و به تبع آن، در قلمرو اندیشه اسلامی در ذیل جدال های ازلی بودن و مخلوق بودن مفهوم عدالت مشاهده کرد. (بنی اشرف، ۱۳۹۳، ص ۳) واژه شناسان، «عدل» را به میانه روی، برابری، همسانی، همانندی، مساوات و ضد جور معنا کرده و گفته اند: عدل و عدل در معنی نزدیک به هم هستند، ولی «عدل» در چیزی است که تساوی آن با بصیرت درک شود و «عدل» در چیزی است که تساوی آن با حس فهمیده شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱، ص ۴۳۶) در کتاب العین، عدل، حکم به حق معنا شده است. سن این نگرش که بین آزادی و برابری و عدالت تضاد وجود دارد، به کلی اشتباه است و آزادی و عدالت بدیل هم نیستند. سن آزادی را ابزار اصلی توسعه و همچنین هدف اصلی توسعه می داند و نوعی همزادی و هم رویدادی بین آزادی و عدالت برقرار می کند. امام خمینی^(ره) آزادی

را حق طبیعی هر انسان و لازمه تمدن و رفاه می‌داند. همچنین ایشان به لزوم فرصت‌های برابر برای همگان در همه زمینه‌ها و ارتباط کامل عدالت و آزادی معتقد بوده و بر این باور است که آزادی تنها و تنها در سایه عدلت فراهم می‌گردد و جامعه‌ای آزاد است که عادلانه باشد. دکتر شریعتی؛ آزادی را با انسانیت انسان معادل دانسته اما عدالت را هم در کنار آن ستوده و آنرا از آمال بشر می‌داند. او آزادی بدون عدالت و عدالت بدون آزادی را ناقص می‌داند و بر این اعتقاد است که این دو مقوله در کنار مقوله سومی به نام عرفان مکمل یکدیگرند و بدون وجود یکی، دیگری ناقص است و به‌درستی محقق نمی‌شود و رفاه جامعه مستلزم توجه هم‌زمان به هر دو مقوله است. دکتر سروش؛ آزادی را جزئی از عدالت می‌داند نه روبروی آن و مخالف. او عدالت را برتر از آزادی می‌داند و آزادی را در دل عدالت جای می‌دهد و عدالت را ایفای حقوقی می‌داند که آزادی یکی از آنهاست. البته به نظر ایشان؛ بدون آزادی هم هیچ عدالتی محقق نمی‌شود. اگرچه هر متفکری از زاویه‌ای خاص به آزادی می‌نگرد اما هر چهار متفکر توجه یک‌بعدی به عدالت یا آزادی را رد کرده و آن‌ها را در ارتباط باهم و مکمل هم و دوروی یک سکه می‌دانند و نه در تضاد باهم. (رمضان خوانی، ۱۳۹۰، ص ۲۳) در سخنان امام علی^(ع) برپایی عدالت و تحقق آن در فرد و جامعه قوام حیات فردی و اجتماعی بشر شمرده می‌شود و بهترین معنای آن قرارگرفتن امور در مواضع سزاوار خویش است و در همه زمینه‌های قابل تحقق و از اهداف رسولان الهی است. از نگاه آن حضرت، رسالت حاکمان اجرا نمودن عدالت در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی است و والیان همه و همه باید با انجام اموری مانند رعایت متقابل حقوق مردم و حاکمان و نظارت بر صاحب‌منصبان جامعه و... برای تحقق آن در جامعه همت گمارند و با اموری مانند احتکار، ربا و تبعیض و... که مانع اجرای عدالت است، مبارزه نمایند. گفتنی است که در اجرای عدالت در جامعه، مردم نیز نقش اساسی دارند که امام با کمک مردم می‌تواند در ساخت جامعه آرمانی و عدالت‌خواه توفیق یابد. (صمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۴) مهم‌ترین شاخصه حکومت حضرت، عدالت‌محوری است. در عدالت‌محوری حضرت، به همه ابعاد آن یعنی به عدالت فردی و عدالت اجتماعی پرداخته شده است و در عدالت اجتماعی به همه ابعاد آن یعنی عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی و عدالت قضایی مورد توجه قرارگرفته است. مهم‌ترین عامل

در برقراری عدالت همه‌جانبه حضرت، توجه عمیق و دقیق ایشان به عدالت فردی و شایستگی فردی است که دنیای امروز، کمتر به این بُعد از عدالت توجه دارد درحالی‌که تنها عامل برقراری عدالت دقیق و صحیح، توجه به عدالت فردی در افراد است (شیرود علیخان، ۱۳۸۷، ص ۹) با توجه به مباحث فوق هدف اصلی پژوهش به شرح زیر است:

۱. مکانیسم اجرایی عدالت قضایی در اندیشه امام علی^(ع) چگونه است؟

۲. یک حکمرانی اسلامی باید بر چه مبنایی به مدیریت قضایی جامعه بپردازد؟

۱. مفهوم و مبانی عدالت

عدالت از دیدگاه اندیشمندان، حکما و فلاسفه نیز تعاریف مختلفی دارد که این اختلاف بر اساس شرایط گوناگون بوده است. در قرون وسطا، متفکران و فلاسفه توجه خاصی به طبیعت داشتند؛ به‌گونه‌ای که از نظر آن‌ها، عدالت عبارت است از: اصل آرمانی یا طبیعی یا قراردادی که معنای حق را تعیین و اقرار به آن را در عمل ایجاب می‌کند. (صانعی دره بیدی، ۱۳۷۰، ص ۶۰). به اعتقاد افلاطون، عدالت رشته‌ای است که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد یا وحدت افراد است به‌منظور هماهنگی. به نظر علامه طباطبایی عدالت اجتماعی عبارت از این است که با هریک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و درجایی جای داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی اجتماعی است که افراد مکلفین مأمور به انجام آنند. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۰، ص ۲)

از دیدگاه امام علی^(ع)، عدل و عدالت دارای چندین معنی و مفهوم است:

۱- یکی از معانی عدل و عدالت از دیدگاه امام علی^(ع)، «محق بودن هر فرد نسبت

به حقی که به طور مشروع دارد، می‌باشد».

امام علی^(ع) احقاق حقوق مردم را یک رویه‌ای عادلانه و از وظایف حاکم اسلامی می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم و فرد قوی در نزد من پست و ناتوان است تا حق او را بازستانم. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۷) مرد را سرزنش نکنند که چرا حق‌اش را با تأخیر می‌گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حق‌اش نیست بگیرد. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۶)

۲- معنی و مفهوم دیگر عدل از دیدگاه امام علی^(ع)، «انصاف» است. انصاف به معنی

رفتار درستکارانه و سازگار با اصول عدالت.

علی^(ع) در این باره می‌فرماید: خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد. عدل، مراعات انصاف است و احسان همان بخشش و تفضل می‌باشد. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱)

در رویکرد دینی برقراری عدالت از سویی در راستای هدف غایی و میل به سعادت نوع بشر است و از سوی دیگر از آنجایی که بی‌عدالتی‌هایی که در جوامع انسانی مشاهده می‌شود عموماً ناشی از روابط قدرت و ساختار اجتماعی نامناسب است، لذا برقراری عدالت ناشی از خردجمعی است که رویکرد دینی نیز آن را تأیید می‌کند. مواجهه دینی به برقراری عدالت به حفظ کرامت انسانی افراد صرف‌نظر از گرایش‌های اعتقادی، نژادی و جنسیتی آنان تأکید دارد. در این مواجهه امر عادلانه، امری اخلاقی است و لذا هرگونه بی‌عدالتی مؤید نقض اصول اخلاقی محسوب می‌شود. در رویکرد دینی، بسیاری از موضع‌گیری‌ها بر این اصول استوارند. لذا در مواجهه دینی به منظور برقراری عدالت، توانمندسازی طبقات محروم در اولویت قرار می‌گیرد. در نگرش دینی سه آستانه تعریف می‌شود: فقر شدید (مسکنت)، فقر مطلق و غنای کفافی. تأمین این سه آستانه که معرف سه سطح از زندگی می‌باشد، لازم است به ترتیب از پایین‌ترین سطح صورت پذیرد. این وظیفه از جمله وظایف نخستین نظام اجرایی به منظور برقراری عدالت بشمار می‌رود. بر این مبنا، اگرچه وجوه اشتراک میان آراء امام علی^(ع) و نظریه رالز مشاهده می‌شود، با این وجود تفاوت‌های بنیادی معرفتی در این دو رویکرد قابل تشخیص است. نگاه مدرن، لزوم اخلاق و عدالت را در زندگی بهتر انسانی جستجو می‌کند و بر اخلاق وظیفه‌گرا تأکید دارد براین مبنا، انسان مدرن اخلاق را در عقلانیت خلاصه می‌کند. در حالی که در تفکر دینی به جهت اتکا به اخلاق فضیلت‌گرا، انسان دینی انسانی تکلیف‌گراست. لذا نگاه این‌گونه به مسأله، مواجهه‌ای کاملاً متفاوت از آنچه در تفکر مدرن وجود دارد را شکل می‌دهد. (نعمت پور، ۱۳۹۱، ص ۹۰) از اصول حاکم در دولت علی^(ع) عدالت اجتماعی و اقتصادی است. در دیدگاه امام علی^(ع) جز از طریق عدالت نمی‌توان به اهداف دولت اسلامی دست یافت. اهمیت دادن به عدالت توسط امام به حدی بود که ایشان را شهید راه عدالت می‌دانند. ذرات وجودی حضرت با عدالت آمیخته بود.

دیگر اصل موجود در حکومت مولای متقیان، آزادی‌های مختلف می‌باشد. آزادی در چهارچوب قانون به طور مطلق که آزادی به طور مطلق در هر زمینه هرج و مرج و

نابودی را به دنبال دارد. در حکومت امیرالمومنین^(ع) مردم از جایگاه خاصی برخوردار هستند. امام به کارگزاران خود هشدار می‌دهد؛ که حرمت مردم را پاس بدارند؛ و به هیچ وجه به عزت و کرامت انسانی آن‌ها لطمه نزنند در منظر امام علی^(ع) بین حاکم و مردم نوعی رابطه متقابل حاکم است؛ و هر یک در مقابل حقوق دیگری وظایفی را به عهده دارد که باید انجام دهد. امام علی^(ع) علی‌رغم اتصال به علم الهی و در نتیجه عدم نیاز به مشورت از دیگران، باز به امر مشورت با مردم اهمیت زیادی می‌داد. البته امام برای مشاور نیز شرایطی را مشخص می‌کند؛ که داشتن آن شرایط باعث مشورت باوی می‌گردد. از اصول حاکم در حکومت علی^(ع) برخورد صحیح با دشمنان بود. امام در این برخورد به اسلام و مصالح دین توجه می‌کرد؛ و به بقاء خود و حکومتش توجهی نداشت. امام علی^(ع) برخوردهای خود با اصحاب جمل و صفین و نهروان، دائم به یاران خود گوشزد می‌کرد که شروع کننده جنگ نباشند و حتی المقدور از آن دوری کنند و بعد از پیروزی نیز به آن‌ها ستم روا نمی‌داشت. در نگاه سیاسی امیرالمومنین^(ع) شرایط و صفات زمامداران از اهمیت خاصی برخوردار است. به گونه‌ای که بقاء و نابودی جامعه به داشتن یا عدم داشتن این شرایط بستگی دارد. امام در طی نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته و در واقع مخاطب آن همه زمامداران اسلامی می‌باشد. تمامی اصول لازم برای اداره الهی جامعه را بیان می‌کند و به برخورد مناسب با تک تک اقشار جامعه توجه می‌دهد. ضرورت توجه به کارهای مردم و وقت گذاشتن بر آن‌ها نظارت بر قضاوت و دیگر کارگزاران حکومت همه و همه در این نامه گرانقدر آورده شده است. (قلی زاده، ۱۳۹۱، ص ۷۰) عدل صفتی است که هم نزد خالق محبوب است و هم نزد مخلوق و خدا خود را با این صفت ستوده است.

«عدالت» از موضوعاتی است که در اندیشه دینی از زوایای گوناگون به آن پرداخته شده است. از یک‌سو، به‌عنوان صفتی از صفات حق تعالی معرفی شده و در علم فلسفه و کلام مورد بحث قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در علوم مانند علم فقه و علم اخلاق به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فردی انسان مورد اهتمام فقها و علمای اخلاق می‌باشد. چنان‌که نقش محوری بحث از عدالت در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی بر کسی مخفی نیست. قرآن کریم هدف از ارسال پیامبران و انزال کتاب‌های آسمانی را اقامه عدل و قسط یاد نموده (حدید، ۲۵) و در موارد زیادی به انسان‌ها فرمان داده تا در رفتار فردی و

اجتماعی خود اهل عدالت و دادگری باشند. (مائده، آیه ۸) (احمدی، ۱۹۳، ص ۱۲) نگاه حضرت علی^(ع) به مقوله عدالت، ریشه در جهان بینی الهی دارد، ایشان عدالت را موجب پایایی انسان (خلق)، نظام بخش حکومت، مترادف انصاف، فضیلت انسان، فضیلت فرمانروا، برترین ویژگی نیکو، غنی ترین ثروت، سامان دهنده شهروندان، زیبایی حاکمان، تداوم بخش قدرت، زیبایی سیاست، سامان بخش و نجات دهنده دولت، برترین سیاست، عامل همبستگی و مانند آن دانسته است. (درخشه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵) «عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)، «عدالت تدبیر عمومی مردم است در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل می‌شود»، عدالت قانونی عام همانند چهار راهی است که همواره باید از آن برون‌د بر خلاف جود که حالتی است استثنایی و نمی‌شود برای آن حساب باز کرد. (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۴۱)

۲. سازوکارهای اجتماعی - فرهنگی قضاوت در آیات الهی

قضاوت در اسلام یکی از منصب‌های دینی است. ویژگی‌هایی برای دادرس بیان شده که روش، شیوه و کنش آن را از دیگر شیوه‌های قضاوت جهان متمایز ساخته است. برای همین است که در بینش اسلامی، داوری ویژه پیامبر^(ص) و جانشینان راستین او و رهبران شایسته دینی و پاکان دین دانسته شده است. صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود. بعضی از این شروط، شرط صحت و نفوذ حکم قاضی است مانند بلوغ، عقل، ایمان، عدالت و مرد بودن. این شروط مورد اتفاق تمامی فقهای اسلامی در تمام مکاتب فقهی است و برخی دیگر از شروط، شرط صحت و نفوذ صفات حکم قاضی نبوده و اختلافی هستند مثل کتابت، بصر، سمع و... اصلی‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه قاضی برقراری عدالت و استقرار حقوق و حفظ نظم عمومی از طریق حل و فصل دعاوی و الزام اشخاص به رعایت قوانین است. این امر از طریق رعایت اصول و آدابی که در شرع مقرر گشته، محقق می‌شود و لازمه آن استقلال و بی‌طرفی قاضی است. مطابق قاعده فقهی «لاضرر» و قواعد «اتلاف» و «تسبیب» که نافی ضرر و ضرار از سوی شخصی به شخص دیگر، اعم از حقیقی و حقوقی است؛ چنانچه در اثر تقصیر قاضی حکمی علیه

کسی صادر شود و باعث ورود زیان مادی یا معنوی به شخص گردد، قاضی ضامن است جبران خسارت نماید اما در صورت اشتباه وی، دولت تاوان این خسارت را می‌پردازد. سیستم قضاوت شورایی که حقوقدانان اهمیت ویژه‌ای برای آن قائلند، اشتباهات قضایی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد و قضات، مغلوب فکر و اندیشه شخصی خود نمی‌شوند و از طرف دیگر دادرسان تازه‌کار از تجربیات قضات با سابقه استفاده می‌کنند. (عسگری، ۱۳۹۰، ص ۸۱)

۲-۱. علم و آگاهی

«و ان احکم بینهم بما انزل الله و لا تتبعه اهلهم و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک» «و در میان آن‌ها مطابق آنچه خداوند نازل کرده داوری کن و از هوسهای آن‌ها برحذر باش که تو را از بعضی از احکام که خداوند بر تو نازل کرده است، منحرف سازند» (مائده، آیه ۴۹) لازمه داوری و حکم در میان مردم بر اساس دستور خداوند، علم و آگاهی از مسائل دین می‌باشد.

۲-۲. رعایت قسط و عدالت

«و ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهبا و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» «همانا خداوند به شما امر می‌کند که امانت را به صاحبانش برگردانید و چون بین مردم حکم و قضاوت می‌کنید، داوری به عدالت کنید.» (سوره نساء، آیه ۵۸)

۲-۳. محور قرار دادن حق و پرهیز از پیروی از هوای نفس

«یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی» «ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت و حکومت دادیم تا در میان خلق خدا به حق حکم کنی و هرگز هوای نفس را پیروی نکنی» (ص، آیه ۲۶)

۳. سازوکار عدالت قضایی

عدالت قضایی در بردارنده عدالت در جهت قضاوت است. عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم به معنای به اجرا گذاشتن یکسان احکام دادگاه، نسبت به همه افراد جامعه صرف نظر از موقعیت و طبقات اجتماعی است و هر جرمی که منجر به عدم اجرا یا

تأخیر در اجرای احکام دادگاه گردد، جرم علیه عدالت قضایی تلقی می‌گردد. اجرای عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم، در تمامی ادیان و تمدن‌ها به عنوان یک ارزش شناخته شده است. (پورمظفر، ۱۳۸۹، ص ۷) عدالت قضایی یکی از محوری‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی در اسلام است. علی^(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: عدالت؛ قرار دادن هر چیز در جای خود است. بر حسب سخن مزبور، ایشان ویژگی‌های مورد نظر در قاضی را چنین برمی‌شمرند:

۱. بهترین و برترین افراد باشد؛
۲. دشواری کارها او را از پا درنیآورد؛
۳. به واسطه کشمکش دادخواهان به لجاجت نیفتد؛
۴. هنگام اشتباه، اصرار نوزد و زود اشتباهات خویش را بپذیرد و جبران نماید؛
۵. اهل تحقیق باشد و با سهل‌انگاری، آسان از مسائل نگذرد (سطحی‌نگر نباشد)؛
۶. در مواجهه با امور مشتبه و مسائل پیچیده، احتیاط و تامل نماید؛
۷. شکبیا باشد تا حقایق روشن گردد؛
۸. پس از تشخیص حکم، قاطعیت داشته باشد؛
۹. با طرفین دعوا گشاده‌رو باشد و تمجید یک طرف، موجب تمایلش به او نشود؛
۱۱. باتجربه و کارآزموده باشد؛
۱۲. نجابت و پاک‌دامنی داشته و از عفت و صیانت نفس برخوردار باشد؛
۱۳. دارای اصالت خانوادگی باشد (در محیط جور و فساد بزرگ نشده باشد)؛
۱۴. حسن سابقه داشته باشد و سابقه‌اش در اسلام (و مسلمانی) بیش از دیگران باشد؛

۱۵. از دوراندیشی و ژرف‌نگری برخوردار باشد؛

۱۶. به مطامع مادی نظر نداشته باشد. (مدرس زاده، ۱۳۸۶؛ ص ۸۰)

از منابع مهم دادرسی کیفری در اسلام، روش‌های قضاوت‌های حضرت علی^(ع) است. در شیوه‌های قضاوت مزبور که امروزه به عنوان روش قضایی معروف است. اصول دادرسی کیفری، منطبق بر موازین علمی و عقلی دادرسی‌های دوران معاصر به خوبی

مشهود است. قضاوت‌های حضرت علی^(ع) و دستورات وی به مالک اشتر در نحوه گزینش قاضی منبع سرشار تحول دادرسی کیفری است. به عنوان نمونه می‌توان به:

۱- اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها که امروزه از اصول مترقی دادرسی‌های کیفری در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها از جمله قانون اساسی ایران به شمار می‌آید.

۲- اصل علنی بودن محاکمات

۳- اصل منع شکنجه متهمان در اثنای بازجویی

۴- توجه به شخصیت متهم برای تعیین واکنش مناسب جزایی و... اشاره کرد.

ملاحظه منابع و متون حقوقی اسلام در ورش‌های قضایی و دیدگاه‌های امام علی^(ع) بیانگر این حقیقت است که ایشان قرن‌ها قبل از سیر تکاملی تحول دادرسی کیفری به اصولی پایبند بوده‌اند. انسان متمدن امروزی همواره نیازمند تعمق گسترده در شیوه قضاوت‌های امام علی^(ع) برای کشف اصول بیشتری در روش قضایی حضرت علی^(ع) است. (ایرج زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۱)

۴. اقسام عدالت

۴-۱. عدالت فردی

عدالت فردی همان معنایی است که در اصطلاح فقه به کار رفته است. عدالت فقهی ملکه‌ای است نفسانی که انسان را مصون از انحراف و ملتزم به دستورات شرع می‌کند و از ارتکاب کارهایی که به نظر عرف متشرع گناه کبیره و اصرار بر صغائر است، باز می‌دارد. این معنا از عدالت همان است که در بسیاری از مسئولیت‌ها شرط لازم برای مرجعیت، قضاوت، شهادت، امامت و مانند این‌ها دانسته شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق، ج ۶، ص ۲۰۶)

۴-۲. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی آن است که انسان از این جهت که مدنی‌الطبع است برای ادامه حیات مادی خود نیازمند به تشکیل جامعه و حکومت است و باید در پوشش اجتماع زندگی کند و لازمه زندگی بشری تنازع و اختلاف است؛ لذا ضرورت دارد قوانین و مقرراتی بر

آنان حاکم باشد که هر کدام را بر حقوق و وظایف خود نسبت به جامعه آشنا سازند و این امکان را به وجود آورد که در مواقع تصادم، همه تا آن اندازه که ممکن است از حقوق حقه خود بهره‌مند شوند و در عین حال، به وظایف خود در مقابل حقوق دیگران عمل نمایند. (گرجی، ۱۳۷۷، ص ۵۱۹) به بیان دیگر، عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه حق هر صاحب حقی را به او بدهند و هر کس به حق خودش که لایق و شایسته آن است برسد، نه ظلمی به او شود و نه او به کسی ظلم کند (طباطبایی، ۱۴۱۷.ه.ق، ج ۱، ۳۷۹) عدالت اجتماعی خود به عدالت سیاسی، اقتصادی، کیفری، اداری و قضایی تقسیم می‌شود.

۵. شاخصه‌های عدالت قضایی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)

هسته مرکزی و اصلی دستگاه تأمین‌کننده عدالت هر کشور، دادگستری است که مرکب از عده معدودی به نام قضات بوده که در حقیقت آنان دادرسان واقعی اجتماعی هستند؛ بنابراین باید مستقل و بی‌طرف باشند. استقلال قضایی، اصولاً استقلال در برابر قوای دیگر حکومت (مقننه و مجریه) و استقلال در برابر مسؤولان قوه قضایی، حتی استقلال در برابر افکار عمومی را شامل می‌شود. خود قاضی نیز باید آزاداندیش باشد و بتواند با اندیشه شخصی و استنباط خود را از قانون رای صادر نماید و همین دلیل است که انتخاب و گزینش قضات تأثیر به‌سزایی در حفظ اصل مهم استقلال قضایی دارد. وقتی شخصی پس از طی مراحل مختلف به تصدی شغل قضاوت رسید، شأن قضاوت و موقعیت و جایگاه ویژه آن اقتضا دارد که چنین فردی مصونیت شغلی داشته باشد یعنی بتوان بدون محاکمه و ثبوت تقصیر او را از مقامش عزل کرد و یا بدون رضایتش محل خدمت و مأموریت وی را تغییر داد بلکه تمامی موارد مزبور بر طبق قانون و پس از طی آیین و تشریفات خاصی صورت پذیرد. با این تضمین قضایی و اطمینان قاضی عدالت‌گستر جامعه خویش خواهد بود. دین مبین اسلام در چهارده قرن پیش اصل فوق‌الذکر را به رسمیت شناخته و برای آن ارزش والا قائل شده است. (شفیق فرد، ۱۳۷۸، ص ۷۶)

۱-۵. اجتناب از ظاهربینی

مبغوض‌ترین کسان در نزد خداوند قاضی عالم نمای کم سوادی است که مسئولیت قضاوت را پذیرفته است و خود از چند و چون احکامی که صادر می‌کند آگاه نیست.

۲-۵. رعایت حقوق و انصاف

خون‌های به ناحق ریخته از دست قاضیان نادان بی‌صلاحیت فریاد می‌کشند و اموال (پایمال شده و به نادرست تصاحب گشته) از دست آنان داد می‌زنند.

۳-۵. نظارت اجتماعی

باید رئیس جامعه اسلامی، همواره در مرکز حکومت، بر امور نظارت مستقیم داشته باشد، از جمله در امر قضاوت و دقت در کار حقداران و رسیدن حق به آنان.

۴-۵. شایسته‌سالاری قضایی

باید با فضیلت‌ترین مردم در مسند قضاوت بنشینند.

۵-۵. خویشن‌داری و میان‌رویی

قاضی باید در کار خویش توانا باشد و در برخورد با مراجعان بر سر لج نیفتد و هرگاه اشتباه کرد، زود بپذیرد و از تسلیم شدن در برابر حق سرباز نزند.

۶-۵. تسلط بر هوای نفس و تلاش بر تفحص

قاضی باید سر سوزنی طمع نداشته باشد و درباره موضوع پرونده تا آخرین مرحله ممکن تحقیق کند. قاضی باید در امور مشتبه توقف کند و در پی دلیل باشد، از مراجعات خسته نگردد و صبورانه در پی کشف موضوع افتد و چون حکمی روشن گشت با قاطعیت تمام ابراز کند؛ باید تحت تأثیر خوشامدگویی قرار نگیرد و هیچ عاملی او را از قاطعیت و حقیقت باز ندارد.

۵-۷. اجتناب بر پیش‌داوری و تصورات قالبی

قاضی اگر با اعتماد به ظن و گمان خود (و بدون رسیدگی‌های لازم یقین آور)، حکم کند ظالم است. (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸)

۵-۸. استقلال قضایی

مولای متقیان علی^(ع) که مبین و مفسر اهداف شریعت مقدس اسلام است در فرمان خود به مالک اشتر پس از انتخاب قاضی به اصل استقلال قضایی تأکید داشته و می‌فرماید: حقوق قاضی را افزون کن و آن قدر به او ببخش که فقر او را برطرف و نیاز او به مردم را کم کند و او را در قلمرو فرمانروایی‌ات چنان مقام و منزلتی ببخش که هیچ یک از خواص و نزدیکان تو در آن منزلت و مقام طمع نبندد تا در اوج آن مقام شامخ از اندیشه مکر و سعایت بداندیشان ایمن باشد و نمانان را فرصت فتنه درباره او دست ندهد و او را نزدیک خود بنشان و قضاوت او را امضا و حکمش را اجرا کن و پشتیبان او باش. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

۵-۹. علنی بودن محاکمه

یکی دیگر از شاخصه‌های عدالت قضایی نزد امیرالمؤمنین علی^(ع) علنی بودن محاکمات است.

۵-۱۰. سرعت عمل در دادرسی

اگرچه دقت و کیفیت اجرای عدالت در کار قضا مهم و ضروری است اما سرعت عمل در تحقق آن نیز اهمیت بسیاری دارد. سرعت عمل به معنای انجام وظایف کاری در کمترین زمان ممکن و پرهیز از کندی و سستی در انجام کار و پرهیز از معطل کردن ارباب رجوع و انجام کار در زمانی بیشتر از حد نیاز می‌باشد. (رضایی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸)

۱۱-۵. اصل برائت

اصل برائت یکی از اصول و قواعد بنیادین محاکمات جزایی است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت طلبی‌های قوای محاکمه حمایت می‌کند. هرچند ممکن است در عالم واقع متهم حقیقتاً مرتکب جرم شده باشد اما به جهت فقدان دلیل و مدرک و ایجاد شبهه و شک در بزهدار بودن متهم، بنا بر اصل عدم بزهداری حکم بر برائت وی صادر می‌نماییم. برائت متهم قبل از اثبات محکومیت او از شاخصه‌های عدالت قضایی نزد امام علی^(ع) به ویژه در موارد حقوق الله است. در این موارد، حد با شبهه رفع می‌شود و جز با بینه، حد اجرا نمی‌شود و متهم ملزم به سوگند نیست.

۱۲-۵. اصل مساوات

یکی از مسائل زیربنایی که باید در دادرسی رعایت شود یکسان نگری به اصحاب دعواست. امام علی^(ع) در عینیت بخشیدن به این اصل در مورد خود و دیگران، ممتاز است.

۱۳-۵. اخلاق قضایی

امام علی^(ع) در قضاوت‌های خود با دیگران مهربان و نرم‌خو بود، خود را با آنان برابر می‌دانست، یاریگر ناتوانان بود اما در همین وقت نسبت به خود و خاندان و اطرافیان و فرماندارانش، سختگیر بود. این از مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت قضایی است. از طرفی، حضرت امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «قوی در نزد من ضعیف است تا وقتی که حق مظلوم را از او باز ستانم و ضعیف نزد من قوی است تا وقتی که حق او را به وی بازگردانم»

۶. مکانیسم اجرایی و تحقق عدالت قضایی اسلامی

در جامعه انسانی برای رفع اختلافات ایجاد شده در بین مردم که نشأت گرفته از مسائل مختلفی می‌تواند باشد باید افرادی انتخاب شوند که دارای صفاتی خاص در زمینه قضاوت کردن در بین مردم باشند که این صفات در زمینه‌های فردی و اجتماعی افراد مطرح است. (معتمدی ادرمنابادی، ۱۳۹۴، ص ۸۹) یکی از مباحث اساسی در حوزه عدالت، بازشناسی گستره و نسبت قلمروهای آن با یکدیگر است. از دیگر سو امام علی^(ع) به عنوان

بزرگ‌ترین اسوه عدالت در میان بشریت شناخته شده و سیره گفتاری و رفتاری آن حضرت گنجینه بزرگی برای عدالت پژوهی است. از این دیدگاه عدالت اجتماعی یعنی رعایت مساوات و حقوق برابر انسان‌ها در تعاملات اجتماعی (امور قضایی، توزیع اقتصادی و...) و ارتباط با خویش‌نشان شامل رعایت حقوق جسم و روح انسان می‌شود که ضرورت معرفت نفس و عدم اضرار به نفس را به همراه خواهد داشت. عدالت در ساحت طبیعت نیز مربوط به تکالیف انسان نسبت به طبیعت می‌باشد و مواردی چون سعی و تلاش بر آبادانی زمین، رعایت حقوق حیوانات و... را در برمی‌گیرد. عدالت‌ورزی در همه این ابعاد به هم پیوسته باعث سعادت انسان می‌شود. سعادت در آخرت که با زندگی شیرین دنیوی نیز قابل جمع است؛ بنابراین عدالت هم موجب زندگی آسوده، آرام و خاطره‌بخش دنیوی می‌شود و هم سعادت جاودان اخروی را به همراه خواهد داشت. (باقریان، ۱۳۹۲، ص ۴۱)

۱-۶. تقوا و پرهیزگاری

عدالت در فقه اسلامی به معنای دوری از گناه کبیره و صغیره است و در بیان امام‌المتقین^(ع) نیز گام نخست در تحقق عدالت، پرهیز از حاکمیت هوای نفس است چون اگر عدالت اقامه حق و برقراری عدل و داد و انصاف و دوری از ظلم، تعبیض و تعدی است، بدون پاکی درون امکان عملی شدن ندارد و از همین روی اولین شرط حاکم اسلامی تقوا و عدالت است.

۲-۶. مسئولیت‌پذیری

احساسات تعهد و مسئولیت در برابر حقوق مردم، دفع ظلم و ستم و برقراری حکومت عدل از جمله مهم‌ترین مراحل و شروط تحقق عدالت است؛ چنانچه حضرت مهم‌ترین دلیل قبول خلافت را تعهدی می‌داند که خداوند از عالمان گرفته است. سخن امام^(ع) هنگامی که شنید - خلخالی از پای زن یهودیه‌ای کشیده‌اید - نشان از عمق تعهد و مسئولیت‌پذیری حاکم اسلامی در مقابل ستمگران و تعهد برای برقراری عدالت در سطح جامعه است تا آنجا که فرمود: «اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، سزاوار است».

۳-۶. آگاهی و دانایی

حضرت فهم و جزم را از مبانی عدل می‌شمارد، چه آنکه بدون فهم صحیح و برهان قاطع نمی‌توان حق را تشخیص داد. بدیهی است چنانچه حق به درستی شناخته نشود در موضع خویش جای نخواهد گرفت بلکه چه بسا ظلم و تعدی جای اقامه حق را بر اثر تشخیص نادرست بگیرد. علم مقدمه عمل، درک مقدمه حرکت، جزم مقدمه اقامه حق و برپاداشتن عدالت است و بدون علم و جزم برقراری عدالت ممکن نیست.

۴-۶. نیت خیر و خوش‌بینی نسبت به مردم

آنچه امروزه حقوق بشر نام گرفته، دغدغه اصلی عدالت علوی است، از این‌رو از مقدمات حصول عدالت از نظرگاه علی^(ع) حسن توجه به مردم و خوش‌بینی نسبت به آنان است. حاکم اسلامی باید همواره دغدغه مردم را داشته باشد و در رسیدن آنان به کمال مادی و معنوی بکوشد. حضرت خطاب به یکی از کارگزاران خویش فرمود: «با رعیت فروتن و گشاده‌رو و نرم خوی باش و در نظر انداختن به آنان با گوشه چشم و رویارویی نظر کردن و به اشارت و تهیت با همگان یکسان باش تا زورمداران به تو طمع ستم کردن نبندند و ناتوانان از دادگری تو نومید نمانند».

۵-۶. دوری از حرص و آز

طمع، نیازدگی و حرص از موانع تحقق عدالت هستند و کاستن از آن‌ها از مراحل تحقق عدالت علوی است؛ بنابراین حاکم اسلامی باید نسبت به دنیا بی‌اعتنا و کم طمع باشد تا عدالت محقق شود. «وقتی خواسته‌های والی گوناگون و زیاد باشند، او را از بسیاری عدالت (عدالت کامل) باز می‌دارد».

۷. راهکارهای اجرای عدالت در یک حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی^(ع)

۱-۷. وجود حاکمان و حکمرانان عادل و متقی

امام علی^(ع) در ارتباط با وجود حاکمان و مسئولان عادل و با تقوا در جامعه و نظارت بر رفتار شخصی و اجتماعی آنان توجه زیادی مبذول داشته است. بدیهی است که در صورتی مسئولان هر جامعه افرادی عادل و عدالتخواه باشند و ابتداءً این موضوع را در

زندگی شخصی خود و بستگان‌شان اعمال نمایند، اعتماد مردم به آن‌ها جلب شده و به عنوان الگویی مفید مورد پیروی و احترام مردم در جامعه خواهند بود. حاکمان مسلمان باید عدالت را برای آحاد مردم در جامعه و بدون تبعیض بین اقشار مختلف اجرا نمایند. احقاق حق مظلوم از ظالم نیز از وظایف مهم یک حکمران اسلامی است که به شدت مورد تأکید امام علی^(ع) بوده است. به خدا سوگند، همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است، مگر اینکه حقی با آن به پا دارم و یا باطلی را دفع نمایم. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳) به خدا قسم، داد ستم دیده را از ظالم ستمگر بستانم و مهار ستمگر را بگیرم و به آبخور حق وارد سازم، گرچه تمایل نداشته باشد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۶) رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶)

۲-۷. مبارزه با فقر و نابرابری و بی‌نیاز کردن مردم

از مهم‌ترین اهداف عدالت اقتصادی، مبارزه با فقر و هم‌سطح کردن سطح معیشت مردم است. امام موسی کاظم^(ع) در این باره می‌فرماید: «لو عدل فی الناس لاستغنوا؛ اگر عدالت در میان مردم برقرار شود، همگان بی‌نیاز می‌شوند.» (حکیمی، ۱۳۷۷، ص ۴۴) بنابراین، نتیجه عدالت اجتماعی، بی‌نیاز شدن مردم است. هدف نهایی از عدالت در بعد فقرزدایی، این است که در سایه عدالت، انسان‌ها بتوانند نیازمندی‌های یک زندگی مطلوب و حیات معقول را تأمین کنند و به بی‌نیازی برسند؛ به گونه‌ای که نیازمند کسی نباشند تا در پرتو بی‌نیازی بتوانند به تقوا و وظایف معنوی خود پردازند.

۳-۷. برقراری عدالت اجتماعی و توازن اجتماعی

منظور از توازن اجتماعی؛ ایجاد نظامی عادلانه، مبتنی بر اصول حق و عدالت برای ایجاد رفاه و توزیع متناسب و متعادل درآمد است. (دادگر و نجفی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳) اسلام برای ایجاد توازن اجتماعی، افزون بر پذیرش این امر طبیعی، «توازن در سطح برخورداری را می‌پذیرد، نه در سطح درآمد.» (صدر، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۶۲۶) به عبارت دیگر، مردم ممکن و حتی لازم است که از نظر امکانات مالی و درآمدی، متفاوت باشند ولی تولید بیشتر، لزوماً حق بیشتری برای مصرف ایجاد نمی‌کند. مردم در سطح مصرف که همان سطح

استاندارد مطلوب معیشتی است، باید برابر باشند. پس برای اینکه توازن در جامعه ایجاد شود و اختلاف‌های فاحش طبقاتی از بین برود، بهترین راه این است که سطح معیشت مردم یکسان شود. بنابراین، توازن در سطح مصرف است، نه درآمد. بدین منظور، اسلام راهکارهایی را داشته است که عبارتند از:

۱. انفاق‌های واجب و مستحب؛
۲. منع از احتکار و انحصار؛
۳. جلوگیری از اسراف و تبذیر؛
۴. تشویق به ترک تجملات؛
۵. غافل نشدن از یاد خداوند و رو به زوال و گذرا بودن برخورداری؛
۶. ربا. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۴۱۶)

۴-۷. نظارت بر اعمال و رفتار صاحب منصبان در جامعه

علی^(ع) به عنوان امام و رهبر یک نظام سیاسی همواره بر اعمال و رفتار حاکمان منصوب خود نظارت داشت و نسبت به حیف و میل بیت‌المال و عدم برقراری عدالت در جامعه به شدت از خود عکس‌العمل نشان می‌داد و حکمرانان را مؤاخذه می‌کرد؛ بنابراین از نظر آن حضرت، نظارت بر رفتار و عملکرد مسئولان حکومتی یکی از وظایف رهبران جامعه و از ابزارهای برقراری عدالت می‌باشد. در این باره در نهج‌البلاغه نامه‌های زیادی از جانب امام علی^(ع) به حاکمان مرقوم شده است.

۵-۷. لزوم ساده زیستی حاکمان اسلامی

امام علی^(ع) از اشرافیت و زندگی تجملی بیزار است و در جامعه اسلامی که افرادی فقیر دارد، ساده‌زیستی را از جمله وظایف حاکمان اسلامی می‌داند. در نهج‌البلاغه این موضوع به حاکمان و فرمانداران توصیه شده است: امام علی^(ع) در نامه ۳ نهج‌البلاغه، شریح بن الحارث قاضی (قاضی کوفه) که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده بود، در ارتباط با سوءاستفاده مالی هشدار می‌دهد. امام علی^(ع)، در نامه ۷۱ به منذر بن جارود عبدی، فرماندار استخر در ایالت فارس، وی را از زندگانی تجملی و هواپرستی منع می‌کند و مورد سرزنش قرار می‌دهد. بنابراین ساده‌زیستی حاکمان اسلامی و اطلاع از زندگی افراد کم درآمد و فقیر

نیز یکی از خصوصیات رهبران و مسئولان عادل در جامعه می‌باشد و امام علی^(ع) رعایت آن را واجب می‌داند و معتقد است که ساده زیستی حاکمان اسلامی زمینه را برای اجرای عدالت و اقامه آن در جامعه اسلامی فراهم می‌آورد.

۸. خصیصه‌های اجتماعی حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام علی^(ع)

۸-۱. ایمان تقوا

یک مدیر در درجه نخست باید همانند هر انسان دیگر ایمان و تقوا داشته باشد. مدیر مؤمن، مطیع فرامین الهی است و می‌داند که اگر در جریان کارها شرایط سخت و دشواری برایش پیش آید و یا زمینه کارها بسیار آماده باشد و امور به سهولت در برابرش پدیدار گردد، در هر دو حالت روحیه خود را نباخته و خود را در مسیر اجرای فرامین الهی می‌بیند و با وقار و اطمینان خاطر کار را ادامه می‌دهد. توصیه امیرالمومنین علی^(ع) به مالک اشتر در این خصوص شنیدنی است؛ ای مالک، مالک نفس خویش باش و آن را به دست هوی مسپار، نفس خویش را با ترک خواهش‌ها بکش و به هنگام سرکشی، عنان‌ش را بکش که نفس پیوسته به بدی فرمان می‌دهد جز آنکه خدای رحم کند و در اجابت نفس در نارواها بخل بورزد و بدان که همانا بخل ورزیدن نسبت به نفس، مراعات انصاف است در آنچه که برای آن خوشایند یا ناخوشایند است.

۸-۲. اعتصام و اعتماد به خدا و نصرت الهی

اعتصام و اعتماد به خدا و نصرت الهی یکی از ابزارهای معنوی است که یک مدیر اسلامی می‌تواند برای انجام وظیفه خطیر مدیریت از آن استفاده کند تا از انجام کارها خسته و افسرده و مأیوس نشود و سختی‌های بزرگ او را متزلزل نسازد. امام علی^(ع) در این خصوص می‌فرماید: کسی که بر خدا توکل کند، ناهمواری‌ها و سختی‌ها بر او هموار و دستیابی به ابزار و امکانات رسیدن به هدف برای او آسان می‌شود.

۸-۳. رعایت عدالت و انصاف

رعایت و برقراری عدالت یکی از مهم‌ترین وظایف یک مدیر اسلامی است؛ عدالت مبنای همه حرکت‌های صحیح مدیریت است که در اثر وجود عدالت همه چیز در جای خود

قرار می‌گیرد و هر کس کارش را به درستی انجام می‌دهد. مراعات بی‌طرفی بر مدیر واجب است و باید صرفنظر از اینکه یکی از دو طرف دوست صمیمی یا خویشاوند نزدیک اوست و اگر حق را به او ندهد ممکن است از وی رنجیده شود باید به دقت بررسی کند که حق به جانب کدام است. امیرالمومنین علی^(ع) در خصوص این وظیفه مدیریتی می‌فرماید: کسی که عادل باشد، دستور و حکمش نافذ خواهد بود.

۴-۸. پرهیز از غرور و خودپسندی

یکی از بیماری‌های مهلک مدیریت، گرفتار عجب و خودپسندی شدن و اینکه به محض منصوب شدن به مدیریت، خود را بالاتر از دیگران ببیند و به افراد به دیده حقارت بنگرد و به همین دلیل تماس خود را با مردم قطع کرده و از آنان دوری گزیند. مدیری که دچار خودپسندی می‌شود از جستجوی مرحله بهتری برای کار خود و بالا بردن سطح آن باز می‌ایستد و هم از دیدن و پذیرفتن نوع بهتری از کار مورد نظر باز می‌ماند و نیروی کمال گرای عقل خویش را فرو می‌نهد. حضرت علی^(ع) در نامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید: اگر قدرت و مقامی که به دست رسیده برایت خودپسندی و عجب آورده و کبریا و عظمتی برای خود پنداشتی، ملک خدای را بالای سرت بنگر، بیندیش که قدرت‌هایی که تو در حق خود نداری او درباره تو دارد ... که خدا هر جباری را ذلیل گرداند و هر گونه فخرفروشی را زیون سازد.

۵-۸. پرهیز از استبداد و دیکتاتوری

خطرناک‌ترین روحیه‌ای که مدیر در اثر ابتلاء به خودپسندی و تکبر پیدا می‌کند روحیه دیکتاتوری و استبداد اوست. در چنین حالتی مدیر همه معیارهای حق و منطقی و ملاک عدل و اخلاق را زیا پا می‌گذارد و برای کسب قدرت بیشتر و اعمال آن به هر عمل نادرست و ظالمانه‌ای دست می‌زند. وظیفه مدیر ایجاد شرایطی است که افراد، داوطلبانه و آگاهانه از دستورات و قوانین پیروی کنند؛ زیرا انسان در برابر هر گونه ظلم و زور به طور آشکار یا پنهان، مقاومت می‌کند. زورگویی و استبداد از نشانه‌های ناتوانی است و به تعبیری آنجا که منطقی نباشد، از زور استفاده می‌شود. امام علی^(ع) می‌فرماید: مبادا بگویی، من نیرومندم، امر می‌کنم و دستوراتم اجرا می‌شود، زیرا این روش موجب فساد فکر،

تضعیف دین و نزدیک شدن به انحراف است؛ و باز در جایی دیگر حضرت می فرمایند: تواضع آدمی را بالا می برد و تکبر انسان را کوچک و پست می کند.

۶-۸. دوری از دنیاپرستی و طمع

یک مدیر اسلامی باید مراقبت کند تا مال و مقام او را شیفته دنیا نسازد و او را از توجه به آینده و روز مرگ باز دارد و باعث انحراف و تباهی وی گردد. امام علی^(ع) در مورد دنیاپرستی می فرمایند: «محبت دنیا عقل را فاسد می کند و گوش را از شنیدن مطالب حکیمانه ناشنوا می سازد» و از سخنان گهربار آن امام علی^(ع) در مورد طمع همین بس که حضرت می فرمایند: آنکه طمع را شعار خود گرداند خود را کوچک نمایاند.

۷-۸. صبر و شکیبایی

اهمیت صبر در مدیریت زمانی روشن می گردد که بدانیم صبر واسطه اصلی در تحقق اهداف، به ویژه در رسیدن به هدفهای بزرگ است و این سنت قطعی الهی است که بدون آن پیامبران هم نمی توانند اهداف مدیریتی خود را محقق سازند. پس یک مدیر اسلامی برای موفقیت در اهدافش بیش از هر چیز باید به زیور صبور آراسته باشد. امام علی^(ع) در اهمیت صبر و شکیبایی در کارها می فرمایند: نقش صبر در کارها همچون نقش سر در بدن است. همان طور که با جدا شدن سر از بدن، بدن فاسد می شود وقتی صبر را از کارها جدا کنیم کارها تباه می شود.

۸-۸. تواضع و حلم

یکی از ابزارهای مدیریت تواضع و حلم است؛ با توجه به اینکه مدیر می خواهد به واسطه انسانها کاری را انجام دهد، باید بتواند در برابر رفتارهای گوناگون آنان واکنش مناسبی داشته باشد و با حلم و تواضع، رفتارها و گفتارهای نامطلوب آنان را (در حد متعارف) تحمل نماید. البته این رفتار زمانی مناسب است که مسایل شخصی مدیر مطرح باشد ولی اگر در ارتباط با وظایف سازمانی و مصالح جمعی باشد، وظیفه مدیر برخورد قاطعانه خواهد بود نه گذشت و بخشایش. اهمیت حلم و سعه صدر به حدی است که امام علی^(ع) آن را ابزار کار مدیر می دانند و می فرمایند: ابزار مدیریت، سعه صدر است.

۸-۹. گشاده‌روی

یکی از ارزش‌های اخلاقی در نظام اسلامی، این است که مدیر اسلامی با خوشرویی با مردم برخورد نماید و بخاطر کاری که برای آن‌ها انجام می‌دهد بر آن‌ها منتی نداشته باشد. طبیعی است که مدیر یک سازمان در هر شرایطی قادر به حل کلیه مشکلات مراجعین نیست ولی می‌تواند با گشاده‌روی با آنان روبرو شود و به سخنانشان توجه کند تا بدین وسیله از آلام و دردهای آنان بکاهد و خوشی از خود به یادگار گذارد. امیرالمومنین علی (علیه السلام) به مالک می‌فرماید: برای رعیت بالت را فرود آور و پهلویت را برایشان هموار دار و با آنان گشاده رو باش.

۸-۱۰. امانت‌داری

مسند مدیریت، امانتی است که به کارگزار سپرده می‌شود و او باید به نحو احسن از آن نگهداری کند و آن را بعد از خود به اهلش بسپارد. امام علی (ع) در نامه‌ای که به فرماندار خود در آذربایجان به نام اشعث بن قیس می‌نویسند، می‌فرماید: پست و مقامی که به دست تو افتاده برای تو طعمه نیست بلکه امانتی در گردن تو است و خواسته‌اند که تو نگهدار باشی برای کسی که از تو بالاتر است.

جمع بندی

قضاوت یک منصب و مقام شرعی و یکی از شئون فقیه جامع‌الشرایط و در کنار ولایت است. قضا، یکی از مهم‌ترین ارکان حکومت اسلامی است. در شکل‌گیری یک جامعه و دوام و بقای آن و نیز برقراری امنیت و سلامت اجتماعی، وجود قاضی، انجام قضاوت و پذیرش آن، از پایه‌های بنیادین و اساسی به شمار می‌آید. تا جایی که صاحب‌نظران مسائل اجتماعی و حقوقی، اساسی‌ترین وظیفه هر حکومت را فصل خصومت و رفع ماده نزاع بین شهروندان و تحقق عدالت در عرصه‌های گوناگون اجتماعی بیان کرده‌اند. قضاوت شریف‌ترین شغل‌هاست و قاضی باید پاک‌ترین و شایسته‌ترین انسان‌ها باشد و در مقام و مسند قضاوت جز به خدا و حق و وظیفه و تکلیف به چیز دیگر نیندیشد. در راستای دستیابی به عدالت قضایی همه حق‌دارند از یک دادگاه منصفانه برخوردار و بهره‌مند باشند. دستگاه قضایی و آئین دادرسی و قاضی کاملاً باید بی‌طرف، عادلانه و منصفانه باشد و متهم به‌طور کامل بتواند از خود دفاع کند و حقوق متهم در آن رعایت شود،

از آنجاکه شخصیت و کرامت انسانی موردنظر و توجه اسلام و قانون‌گذار بوده است، باید محیط دادگاه محیط عدل و انصاف باشد نه محیط وحشت و ارباب و مقدمات نیز کارشناسانه و عادلانه و به‌دوراز حبّ و بغض‌های شخصی و جناحی و سیاسی و سلیقه‌ای باشد. امیرالمؤمنین^(ع) عدالت را برای احقاق حق لازم می‌شمردند و تأکید ایشان برای اعطای حق به صاحب آن را می‌توان دلیل عمده ایشان به اهمیت عدالت قضایی در اسلام در نظر گرفت. قاضی در مقام قضاوت نباید تحت تأثیر هیچ عاملی جز وظیفه، حق و تکلیف، عدالت و انصاف قرار گرفته باشد؛ و روابط سیاسی، اقتصادی و خویشاوندی و خانوادگی، رفاهی و مادی یا تمایلات عاطفی و یا سیاسی نباید در کار قاضی و در کار قضاوت کوچک‌ترین تأثیری داشته باشد. مبنای قضاوت و حکم، استقلال قضایی، علنی بودن محاکمه، سرعت عمل در دادرسی، اصل فردی کردن مجازات‌ها، اصل مساوات و حق دفاع و وکیل گرفتن برای متهم تنها بعضی از مصادیق عدالت قضایی است. برخی از مهم‌ترین صفات و ویژگی‌های قاضی، از منظر امام علی^(ع) از این قرار است: علم، اخلاق، تقوا و ایمان در درجه‌ای بسیار بالا، مراقبت از عواطف، احساسات و هیجانات شخصی هنگام قضاوت، داشتن ظرفیت مشاهده هر برخورد و شنیدن هر گونه سخنان، تعقل درباره هر گونه قضایای مربوط به قضاوت، درایت لازم در تحمیل نشدن نظرات طرف‌های دعوا بر او، پافشاری نکردن بر اشتباه در صورت پی‌بردن به آن، تسلط بر هوای نفس در برابر حرص و آز، اکتفا نکردن به اندک فهم و درک از مسائل بدون فکر و اندیشه زیاد، ضرورت توقف در موارد شبهه، پی‌جویی دلیل و برهان بیش از دیگران، داشتن صبر و حوصله بسیار در کشف واقعیت‌ها، دادن حکم قاطع هنگام کشف حقیقت، تأثیر نداشتن ستایش زیاد دیگران در وی. در طول تاریخ نیز تلاش‌هایی در جهت اجرای این اصل مهم صورت گرفته است. البته موانع مختلفی نیز وجود داشته و دارد که سبب شده، این اصل مهم دوام چندانی نداشته باشد. دستورالعمل‌های اخلاقی و احکام اسلامی برای اجرای عدالت اجتماعی، در جنبه‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی آن بسیار موثر است و راه رسیدن جامعه به عدالت، آشنایی افراد آن با این آموزه‌ها و اجرای آن در زندگی خود و در مرتبه بعد جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند و مسئولیتی را دارا می‌باشند. به ویژه در دنیای امروز که مادی‌گرایی و بی‌توجهی به امور معنوی به اوج خود

رسیده است، بهترین راه حل برای رهایی از این بحران، بازگشت انسان به سوی امور معنوی و فطری می‌باشد. عدالت اجتماعی از پایه‌های مهم نظام اسلام در ابعاد گوناگون آن و به خصوص در حوزه اقتصاد است. هدف اندیشمندان از بررسی‌های ژرف پیرامون مفهوم عدالت تنها شناخت این مفهوم جریان آن در سطح جامعه و در حقیقت اجرای آن است. یک مرحله خطیر و سرنوشت‌ساز برای اجرای عدالت چگونگی شناخت و معرفی اصولی است که از طریق آن، مفهوم عدالت را در روابط میان مردم و برخورداری آنان از مواهب و رفاه موجود در جامعه را تعیین می‌بخشد. توازن اجتماعی، بنابر تبیینی که شهید محمد باقر صدر از آن ارائه کرده‌اند، از جمله قواعدی است که قابلیت کاربرد در تنظیم عادلانه مناسبات اقتصادی در نظام اسلامی دارد. در تبیین ایشان، توازن دارای دو محور اساسی است. ۱- از انباشت ثروت و تمرکز آن در دست عده و یا طبقه‌ای خاص در جامعه جلوگیری شده و تلاش شود فرصت‌های شغلی و تولیدی برای همه افراد جامعه فراهم آید. ۲- امکان دستیابی به حداقلی از سطح رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه فراهم شود. این سطح از زندگی در اقتصاد اسلامی به نام سطح کفاف شناخته می‌شود. واقعی بودن عدالت و اصالت جامعه در کنار اصالت فرد می‌باشند، نشان می‌دهد که توازن با مبانی عدالت در اسلام سازگار می‌باشد. پس «واقعی بودن عدالت» و «تأیید وجود عینی جامعه» و اعتقاد به شخصیت مستقل جامعه در قبال فرد، توازن را به خوبی پشتیبانی می‌کنند و از سویی ادله و احکام اجتماعی و اقتصادی موجود در منابع معتبر، آن را مورد تأیید قرار می‌دهند. در تعریف عدالت اجتماعی، علاوه بر فرد، وجود جامعه و حق جمعی نیز لحاظ شده و کمبودی که در این زمینه وجود دارد مرتفع می‌گردد و دوم؛ بحث توازن که در بیشتر مطالعات گذشته معطوف به بازتوزیع بوده است، در جایگاه مناسب خویش یعنی توزیع قرار می‌گیرد. (لشکری، ۱۳۹۲، ص ۱۱) حکومت به معنای رهبری و فرمانروایی جامعه، ضرورت هر جامعه‌ای است؛ زیرا اجتماع بدون حکومت، موجب هرج و مرج می‌شود و این حکومت است که تنظیم‌کننده امور فرد و اجتماع، اجراکننده حدود و حقوق و تأمین‌کننده عزت و استقلال جامعه انسانی و یا توسعه و تکامل علوم و فنون بشری است. در تمام جوامع بشری تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد، نوعی حکومت وجود داشته است: حکومت قبیلگی، پادشاهی و نیز حکومت‌هایی از نوع آنچه در دنیای مدرن امروز وجود دارد. در دین اسلام هم مسأله ضرورت حکومت در روایات اسلامی بازتاب

گسترده‌ای دارد، به عنوان نمونه، امیرالمومنین علی^(ع) در جواب خوارج که حکومت را فقط برای خدا می‌دانستند، فرمودند: «مردم به زمامداری نیک یا بد نیاز مندند.» در زمان معاصر حضرت امام خمینی^(ره) معتقدند که تنها در سایه حکومت است که زمینه عمومی اصلاح زندگی دنیا و آخرت می‌سر می‌شود و دلایل عقلی و نقلی فراوانی برای اثبات ضرورت وجود حکومت مطرح کردند. اسلام دین جامعی برای سعادت بشر، در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی هر عصر و نسل است و تا زمانی که حیات بشری در دنیا برقرار باشد، برای او برنامه دارد. احکام و برنامه‌های اسلامی از قوانین کلان اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی گرفته تا احکام جزئی، نشان می‌دهد که حکومت، لازمه اجرا و اقامه آنهست و بدون آن، زمینه اجرای بسیاری از احکام، محدود شده و برخی نیز تعطیل خواهند شد؛ بنابراین برقراری حکومت شرط تحقق دین و اجرای احکام و حدود آن است. در این رهگذر، هر گونه نگاه مادی به حکومت از باب ریاست طلبی، قدرت طلبی، منفعت طلبی و... نکوهش شده و رد گردیده است و انگیزه حکومت، پذیرش مسئولیت و امانت الهی است که ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین عنصر در آن، اقامه عدل و نفی باطل است. حکومت مطلوب حضرت علی^(ع) در عصر حضور امام معصوم^(ع)، حکومت شخص منصوص معصوم افضل از جانب خداوند متعال است که از عصمت و اعجاز برخوردار است و حکومت مطلوب حضرت امیر^(ع) در عصر غیبت، حکومت مبتنی بر عدالت، قانون خدایی با رأی و نظر مردم است. در سایر موارد نیز، حکومت از باب ضرورت و به عنوان شری اجتناب ناپذیر، مطرح می‌شود. حکومت ایده آل امام علی^(ع)، در هریک از اشکال نامبرده (منصوص الهی یا در عصر غیبت و عدم حضور شخص معصوم) در اصل به معنای مدیریت و رهبری و هدایت و محبت و خدمت به جامعه و مردم و در جهت رساندن آنها به سعادت دوجاهانی است و در آن نشانه‌ای از تسلط محوری، استبداد و خیانت وجود ندارد. در همین ارتباط است که از مهم‌ترین شاخصه‌های حکومت آن حضرت می‌توان به خدامحوری، عدالت محوری، حق جویی، مشارکت مردم، نظارت و پاسخگوئی، مردم داری، اصلاح طلبی و... اشاره کرد. بطور کلی امیرالمؤمنان^(ع) انگیزه خویش را از پذیرش حکومت، دفاع از مظلومان و سرکوب ستمگران می‌خواند، از اینرو پیوسته در ادای وظایف الهی و اجرای احکام و اوامر رسول خدا^(ص) و اداره

کشور و فرماندهی ارتش، با قدرت تمام، عمل می‌کرد، در عین حال از متواضع‌ترین و خوش‌مشرب‌ترین افراد بود. در نتیجه حکومت علوی؛ یعنی حکومتی که آرمانش، تأمین سعادت مادی و معنوی، توجه به رشد و بالندگی و هدایت مردم، اقامه حق و دفع باطل، تحقق عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه عمومی و... است. از این‌رو محروم شدن مسلمانان از این حکومت، بالاترین و غم‌انگیزترین مصیبت در تاریخ اسلام به شمار می‌رود که باید به خاطر از دست دادن آن، همواره اشک ماتم ریخت. امام خمینی^(ره) در این باره می‌فرمایند: «بالاترین مصیبتی که بر اسلام وارد شد، مصیبت سلب حکومت از حضرت امیر^(ع) بود و عزای او از عزای کربلا بالاتر بود.» تجربه حکومت امام علی^(ع)، سودمند و مفید برای صاحبان تمامی گرایش‌های سیاسی است که درباره چگونگی عمل کردن دولت به وظایف خود و عدم سرپیچی از خواسته‌های جامعه و سوار نشدن بر شانه‌های آن، می‌اندیشند. امام علی^(ع) می‌خواست حکومتی تشکیل دهد که تمام برنامه‌هایش برای مردم روشن باشد و این همان حکومت مردم بر مردم است که در آن بالاترین شکل خودمختاری و ابراز شخصیت تحقق می‌یابد. این حکومت عملی مردم است. دلایل مطلوبیت حکومت امام علی^(ع) از دید امام خمینی^(ره)، وجود یک حاکم و زمامدار عادل و عالم به قوانین الهی در جامعه است که می‌تواند برای مردم و جامعه، عدالت و امنیت و تربیت و رفاه و... را به ارمغان بیاورد و زمینه سعادت مادی و معنوی آن‌ها را فراهم سازد. آن حضرت^(ع) در حکومت خود از حوزه شعار دادن توخالی و از محدوده الفاظ گذشت و عدالت را در عمل و کردار نشان داد. اساس حکومت امام علی^(ع) بر پایه تقوا، عدالت، علم، خدمت به مردم و... استوار بود. در یک کلام، حکومت علوی، حکومت عدل الهی بود. در حکومت علوی قانون اساسی، حکم خداست و فقط همین قانون، لازم‌الاجرا است. مجری قانون و حاکم جامعه، امام معصوم^(ع) است و هدف او برقراری عدل و قسط و اصلاح امور دینی و دنیوی مردم است که این هدف را در مدت حدود ۵ سال حکومت خود، در جنبه‌های مختلف حکومت نشان داده است و سیره سیاسی و دستورات حکومتی ایشان، اکنون پس از ۱۴۰۰ سال، هنوز راهنمای عمل در نظام جمهوری اسلامی ایران است. دوران حکومت امیرالمؤمنین^(ع) فصل درخشانی را در تاریخ حکومت‌های جهان رقم زد. در جامعه، حکمرانان بسیاری از پی هم آمده‌اند و هر یک به عدالت یا ظلم و ستم بر مردم حکومت کرده‌اند، اما در میان آنان، بعد از پیامبر اکرم^(ص)، پیشوایی عادل‌تر و رهبری

با درایت‌تر از علی (ع) به خود ندیده است. (عباسپور، ۱۳۸۹، ص ۸) پس امام علی (ع) عدالت را تساوی و برابری حق افراد (در شرایط برابر) تعریف نموده است و معتقد است که بنا بر اصل تساوی افراد در خلقت، آزادی و مساوات یک حق بشری و الهی برای همه مردم است. آن حضرت معتقد است که توزیع اموال بیت المال باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و هرگز حاضر نبود برای حمایت اشراف و بزرگان قریش و حتی برادرش عقیل (که وضعیت مالی خوبی برای تأمین مایحتاج عیال و فرزندان نداشت) سهمی بیشتر به آن‌ها اختصاص دهد.

فهرست منابع

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ه.ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ۲- احمدی، سید جواد (۱۳۹۲)، اصطلاح‌شناسی «عدالت» و پیوند آن با مفاهیم همسو در آموزه‌های نهج‌البلاغه، معرفت/اخلاقی، سال چهارم، شماره اول
- ۳- امامی، محمد جعفر و آشتیانی، محمد رضا (۱۳۷۸)، *نهج‌البلاغه*، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، ج ۱ و ۲ و ۳
- ۴- امیری، آبتین (۱۳۹۵)، «اهمیت قضاوت و استقلال قضاوت در حقوق اسلامی»، فصلنامه *حبل‌المتین*
- ۵- ایرج‌زاده، امیرحسین (۱۳۹۱)، *بررسی مبانی فقهی و حقوقی قضاوت‌های حضرت علی (ع)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ۶- آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۳۷۷)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران: انتشارات آرمان.
- ۷- باقریان، محمد مهدی (۱۳۹۲)، *قلمروهای عدالت و ربط و نسبت آن‌ها با یکدیگر در اندیشه امام علی (ع)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دولتی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه قم - دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- ۸- بنی‌اشرف، امیرحسین (۱۳۹۳)، *نسبت سنجی عدالت عربی و عدالت اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی - دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

- ۹- پاشاپسندی، حسینعلی (۱۳۷۹). امام علی (ع) و عدالت، مجموعه مقالات نخستین جشنواره نهج البلاغه دانشگاهیان سراسر کشور، تهران: کمیته علمی نخستین جشنواره دانشگاهیان سراسر کشور.
- ۱۰- پورمظفر مرتضی (۱۳۸۹)، تحلیل فقهی حقوقی جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری دانشکده حقوق
- ۱۱- توسلی حسین (۱۳۷۱)، فلسفه حق در اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم
- ۱۲- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۰) مباحثی از مدیریت اسلامی، تهران: مرکز انتشارات علمی
- ۱۳- جعفرزاده، الهام (۱۳۹۱)، تحلیل فقهی رهنمودهای قضایی امام خمینی (ره) در دوران رهبری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- ۱۴- جمالی، نصرت الله (۱۳۷۷)، عوامل سقوط حکومتها در قرآن و نهج البلاغه، قم: نهادوندی
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
- ۱۶- حجازی، سید مهدی و سید علی رضا حجازی و محمد عیدی خسروشاهی (۱۴۱۹ ه.ق)، ترجمه درر الأخبار، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی
- ۱۷- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)، کلام جاودانه، تهران: نشر رسا
- ۱۸- حکیمی، محمد (۱۳۷۷)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۹- حکیمی، محمد (۱۳۸۱)، زمینه‌ها و موانع تحقق عدالت اقتصادی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۲۰- حکیمی، محمد (۱۳۷۰)، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی
- ۲۱- دادگر، یدالله و سید محمدباقر نجفی (۱۳۸۰)، مبانی حقوقی پیشرفته، قم: نجبا.
- ۲۲- درخشه جلال (۱۳۸۶)، «عدالت از دیدگاه امام علی (ع)»، نشریه دانش سیاسی، شماره ۵
- ۲۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران.
- ۲۴- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۹)، اصل میانه روی در اندیشه سیاسی امام علی (ع)، تارنمای مجمع جهانی شیعه‌شناسی: پایگاه تخصصی مقالات
- ۲۵- رمضان‌خانی احمد (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی نسبت عدالت و آزادی از نگاه آمار تیاسن و متفکران مسلمان ایرانی (امام خمینی، دکتر شریعتی، دکتر سروش)، پایان‌نامه. دولتی کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشکده علوم اجتماعی

- ۲۶- شفیعی، سید علی (۱۳۷۶)، «مروری بر عدالت اجتماعی در حکومت علوی»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۷
- ۲۷- شفیق فرد، حسن (۱۳۷۸)، *استقلال قضات در حقوق ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دولتی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تهران
- ۲۸- شیروعلیخان، عباس (۱۳۸۷)، *مبانی کلامی و شاخصه‌های حکومت حضرت امیرالمومنین علی (ع)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- ۲۹- صانعی دره بید (۱۳۷۰)، *فرهنگ فلسفه*، تهران، حکمت.
- ۳۰- عبادی، محمدباقر (۱۳۸۱)، *عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)*، پایان‌نامه کارشناس ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- ۳۱- عباسپور، نرجس (۱۳۸۹)، *تأثیر الگوی حکومتی امام علی (ع) بر اندیشه حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)* با توجه به فلسفه سیاسی شیعه در عصر غیبت امام معصوم (ع)، پایان‌نامه کارشناس ارشد، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی
- ۳۲- عسگری، زهرا (۱۳۹۰)، *بررسی صفات، جایگاه و مسئولیت قاضی در فقه اسلامی و حقوق ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- ۳۳- عفری، محمد تقی (۱۳۶۹)، *حکمت اصول سیاسی در اسلام*، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه
- ۳۴- علامه طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۳۵- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ه.ق)، *کتاب العین*، قم: هجرت.
- ۳۶- فریدی راضیه (۱۳۹۱)، *بررسی قضاوت‌های حضرت علی (ع) بر حسب دلایل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دولتی، دانشگاه پیام نور استان البرز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- ۳۷- فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۸)، *الحدیث - روایات تربیتی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۳۸- قلی‌زاده فاطمه (۱۳۹۱)، *سیره امام علی (ع) در اجرای حکومت از دیدگاه نهج‌البلاغه*، پایان کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ۳۹- کرمی، محمد مهدی و پورمند، محمد (۱۳۸۳)، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.

- ۴۰- لشکری، علی رضا (۱۳۹۲)، *ارزیابی مبانی نظریه توازن در عدالت اقتصادی اسلام*، پایان نامه کارشناس ارشد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پژوهشگاه علوم اجتماعی
- ۴۱- مددی سیده، لیلا (۱۳۹۱)، *علل فروپاشی تمدن‌ها از دیدگاه امام علی(ع)*، پایان نامه غیردولتی - دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۴۲- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۳)، *بحارالانوار*، تهران: انتشارات کتابچی، ج ۸۷
- ۴۳- مدرس زاده، مجد الدین (۱۳۸۶)، «معیارهای گزینش در قرآن و نهج البلاغه»، *فصلنامه معرفت*، شماره ۳۷
- ۴۴- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران: انتشارات صدرا.
- ۴۵- معتمدی ادرمنابادی، ناصر (۱۳۹۴)، *بررسی اخلاق حرفه‌ای قاضی از دیدگاه حضرت علی(ع)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۴۶- مولانا، حمید (۱۳۸۰)، *ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی(ع)*، کنگره بین المللی امام علی(ع)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱
- ۴۷- میرشکاری، سلیمانی (۱۳۹۳)، *محلثه عدالت اجتماعی در قرآن از دیدگاه امام خمینی(ره)* و شهید صدر^(ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- ۴۸- نعمت پور، مریم (۱۳۹۱)، *مطالعه تطبیقی نظریه عدالت اقتصادی امام علی(ع) و رالز و ارزیابی این دو رویکرد در مقابله با فقر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی

